

## بررسی اثر سیاست مالی بر نرخ تورم با تأکید بر مخارج دولت در افغانستان در بازه زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۱)

محمد غفاری فرد<sup>\*</sup>، سید طاهر موسوی<sup>\*\*</sup>

۱- عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت، تهران، ایران

۲- فارغ‌التحصیل ماستری اقتصاد، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت، تهران، ایران

### چکیده

هدف از این مطالعه، بررسی اثرات مخارج جاری و عمرانی به‌عنوان ابزارهای سیاست مالی و نرخ ارز، حجم حقیقی پول و تولید ناخالص داخلی بر متغیر کلان اقتصادی مانند تورم در اقتصاد افغانستان، با استفاده از داده‌های سالانه، طی دوره (۱۳۸۱-۱۳۹۵) است. در این راستا از الگوی اقتصادسنجی خود رگرسیون برداری استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که در کوتاه‌مدت مخارج جاری حقیقی، حجم نقدینگی حقیقی، نرخ ارز موجب افزایش تورم در افغانستان می‌شوند. درحالی‌که افزایش مخارج عمرانی حقیقی و تولید ناخالص داخلی باعث کاهش تورم می‌شود به لحاظ آماری نیز معنادارند؛ ولی در بلندمدت تنها افزایش تولید ناخالص داخلی است که موجب کاهش تورم در اقتصاد افغانستان خواهند شد. با عنایت به نتایج به‌دست‌آمده، در کوتاه‌مدت برای کنترل تورم باید سهم مخارج عمرانی را در بودجه دولت افزایش یابند و همچنان در بلندمدت انضباط در مخارج دولت مؤثرترین سیاست در کنترل تورم است.

**واژه‌های کلیدی:** تورم، مخارج جاری، مخارج عمرانی، حجم پول، الگوی خود رگرسیون برداری

---

\*- mghaffaryfard@abu.ac.ir (نویسنده مسئول)

\*\* - tahirmosawi78@gmail.com

## مقدمه

دولت‌ها برای ایجاد ثبات در اقتصاد از سیاست‌های مختلفی استفاده می‌کنند که سیاست‌های پولی و مالی از پرکاربردترین آن‌هاست. یکی از دلایل مهم بودن سیاست مالی، توجه خانوارها به این سیاست است؛ زیرا مهم‌ترین ابزارهای سیاست مالی، مخارج دولت و مالیات‌ها است که ترکیب آن‌ها سیاست کسر بودجه را ایجاد می‌کند (حیدری و سعید پور، ۱۳۹۴: ۶۲). از این‌رو نحوه تأثیرگذاری و تعامل تورم و مخارج دولت بر یکدیگر از موضوعات مهمی است که در طول زمان توجه اقتصاددانان را به خود جلب کرده است. هزینه‌های دولت با توجه به وضعیت اقتصادی کشور تغییر می‌کند. با توجه به دیدگاه کینزی، دولت نیاز به صرف هزینه‌ها جهت حصول ثبات در اقتصاد، تحریک بهره‌وری و سرمایه‌گذاری دارد. همچنین دولت برای ایفای دو نقش اساسی دیگر، یعنی توزیع و تخصیص در کنار تثبیت، متحمل هزینه‌هایی می‌شود، اقتصاددانان نئوکلاسیک معتقدند با توجه به فرض اشتغال کامل، افزایش در هزینه‌های دولت، می‌تواند به تورم بالا منجر شود. به‌طور کلی اجرای سیاست مالی در بسیاری از کشورها با مشکلات بسیاری مواجه است. مشکلات مربوط به جمع‌آوری مالیات، ضعف‌های نهادی، مشکلات مربوط به دسترسی به سرمایه‌های خارجی، انتشار پول برای تأمین مخارج عمومی که این خود باعث تورم می‌شود، از این دسته‌اند؛ بنابراین استفاده از سیاست مخارج دولتی علاوه بر اثرگذاری روی تولید، می‌تواند تورم‌زا باشد پس از چند دهه که تمرکز و توجه اکثر اقتصاددانان بر سیاست پولی بود، با بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ دوباره سیاست‌های مالی به‌عنوان یک ابزار تثبیت اقتصادی، مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت. نحوه تأثیر سیاست مالی بر فعالیت‌های اقتصادی کشورهای با بازارهای در حال ظهور و کشورهای در حال توسعه در کوتاه‌مدت و بلندمدت به‌طور دقیق مشخص نیست (مهر آرا و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۶).

تمام کشورها نظر به وضعیت و شرایط ویژه اقتصادی و اجتماعی که دارند، به دنبال بهبود و تحت کنترل درآوردن اوضاع اقتصادی و اجتماعی خویش‌اند. دولت‌ها بدین منظور به سیاست‌ها و ابزارهای مختلف نیازمندند که به هدف‌های کلان اقتصادی، رهایی از وابستگی‌ها، تحقیق عدالت اجتماعی، رشد و توسعه پایدار، کاهش فقر، جلوگیری از نوسانات اقتصادی (کنترل نرخ تورم)، تأمین اشتغال مطلوب، مبارزه با رکود و بیکاری دست یابند. یکی از این سیاست‌ها، سیاست مالی دولت به‌خصوص بخش مخارج دولت است. استفاده و اعمال درست از این ابزاری سیاست مالی (مخارج دولت) می‌تواند دولت‌ها را به اهدافشان نائل سازند. یکی از اهداف سیاست‌گذاری‌ها و وظایف دولت تثبیت قیمت‌ها (کنترل نرخ تورم) است. تورم به دلیل آثار مخرب آن همیشه مورد بحث و توجه اقتصاددانان بوده است. تورم عبارت از روند فزاینده و نامنظم قیمت‌ها در اقتصاد است. یا به‌عبارت‌دیگر افزایش حجم پول در گردش نسبت به عرضه کالا و خدمات

است. از آثار مخرب تورم می‌توان به توزیع آمد به نفع گروه پردرآمد جامعه و به زیان گروه فقیر و کم‌درآمد و حقوق‌بگیران ثابت اشاره نمود، افزایش نااطمینانی در مورد سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌گذاری بلندمدت، تورم قدرت خرید افراد را کاهش داده و باعث عدم ثبات اقتصادی و اجتماعی خواهد شد (گرچی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۶).

از آنجا که اقتصاد کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای پیشرفته در چرخه‌های تجاری، دچار نوسانات بیشتری می‌شود، همین عامل باعث می‌شود که در معرض شوک‌های بحران مالی بیشتر آسیب ببینند. این در حالی است که سیاست مالی مناسب و کارا می‌تواند نقش مهم را در از بین بردن این شوک‌های که بر اقتصاد وارد می‌شوند، ایفا کند (مهر آرا و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۷). از این‌رو بررسی تورم همواره به دلیل آثار محسوسی که بر زندگی آحاد جامعه و سایر متغیرهای کلان اقتصادی می‌گذارند، ضروری به نظر می‌رسد. بررسی اثر مخارج دولت به‌عنوان جزئی از اجزای تقاضای کل - بر تورم می‌تواند به‌عنوان علامتی کارا در جهت‌گیری سیاست‌گذاری‌های کلان باشد. با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش سعی دارد، اثر هزینه‌های جاری و عمرانی، حجم پول، نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی بر شاخص قیمت مصرف‌کننده (تورم) افغانستان را در بازه زمانی (۱۳۸۱-۱۳۹۵) مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد تا بر اساس آن با سیاست‌گذاری درست زمینه رشد اقتصادی بیشتر برای مردم افغانستان فراهم شود. مقاله حاضر در پنج بخش کلی ارائه شده است. بخش اول به بیان مقدمه و در بخش دوم تحقیق به مفاهیم و مبانی نظری پژوهش پرداخته شده است. بخش سوم پیشینه پژوهش، در بخش چهارم مدل و روش پژوهش، در بخش پنجم یافته‌های پژوهش و در بخش ششم نتیجه‌گیری ارائه خواهند شد.

### مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

سیاست‌های مالی دولت به آن گروه از سیاست‌های اقتصادی دولت اطلاق می‌گردد که رسیدن به هدف‌های اقتصادی را از طریق هزینه‌ها و درآمدها امکان‌پذیر می‌سازد. به‌عبارت‌دیگر، هنگامی که دولت‌ها به خاطر رشد اقتصاد از سیاست مالی استفاده می‌نمایند، برای دست یافتن به هدف اقتصادی خود درآمد و یا مخارج عمومی را مورد استفاده قرار می‌دهد. درآمد و مخارج عمومی، ابزار سیاست مالی دولت می‌باشند که دولت از طریق آن‌ها می‌تواند سیاست مالی انبساطی و یا انقباضی که اثرات متفاوت را در اقتصاد وارد می‌نماید روی دست گیرد (شریف، ۱۳۸۷، ۱۲۶).

تورم یعنی افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها در اقتصاد، یا به‌اصطلاح دیگر عبارت است از افزایش (کم‌وبیش) شدید، نامتناسب و غالباً غیرقابل‌برگشت سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی

که این ممکن است ناشی از ازدیاد حجم پول و اعتبار، یا افزایش سرعت گردش پول آن‌ها و یا معلول عوامل دیگر باشد (تفضلی، ۱۳۸۰: ۵۵۵).

در ادبیات اقتصادی موجود در زمینه نقش و اثر تورم بر درآمدهای مالیاتی را اولین مرتبه تانزی<sup>۱</sup> مطرح کردند. تانزی بر این عقیده بودند که افزایش تورم ممکن است درآمدهای مالیاتی حقیقی را کاهش دهند دلیل آن بیشتر تأخیر در پرداخت مالیات که یک عنصر مهم در کشورهای در حال توسعه است دانسته‌اند و احتمال اینکه وقوع کسری را بیشتر افزایش دهد. هر قدر مودیان مالیاتی تأخیر در پرداخت مالیات‌ها را بیشتر انجام دهند و سیستم مالیاتی از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار نباشد تورم بر درآمدهای حقیقی مالیاتی و به تبع آن گسترش کسری بودجه کارا تر خواهد بود. مطابق نظریات فوق کسری بودجه به عرضه پول بیشتر خواهد انجامید، این فرایند در اقتصاد به اثر تانزی مسمما است (نبی زاده و لو کلایی، ۱۳۹۳، ص ۸).

پاتینکین<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) نشان داد که چی نوع فشارها از جمله موضوعات سیاسی، می‌تواند با استفاده از تورم به هدف از بین بردن اختلاف مخارج اسمی دولت از درآمدهایش سبب شود. وقتی که تقاضا برای مخارج عمومی بیش از درآمدهای دولت باشد، دولت برای تأمین این مخارج می‌تواند از بانک مرکزی استقراض کند این عمل دولت باعث افزایش نرخ تورم و به تبع آن کاهش مخارج حقیقی دولت خواهد شد. اثر منفی تورم بر مخارج حقیقی دولت به اثر پاتینکین معروف است. در حقیقت اثر تانزی از جانب درآمدها و اثر پاتینکین از ناحیه هزینه‌ها، کسر بودجه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ تورم از طرف درآمد و با فعال شدن اثر تانزی منجر به انباشت‌شدن کسر بودجه دولت و تشدید آن می‌شود. تورم از جانب هزینه‌ها بر مخارج دولتی اثر خود را می‌گذارد؛ و باتوجه به شرایط اقتصادی و دامنه تورم، بودجه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیونتکوسکی<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) معتقد است، رابطه بین مخارج جاری دولت، کسر بودجه، عرضه پول و تورم را این‌گونه تجزیه و تحلیل نمود که اگر مخارج جاری دولت افزایش یابد؛ اثر افزایش این نوع مخارج، بودجه دولت را بیشتر به کسری مواجه می‌نماید. همچنین افزایش بدهی‌های دولتی به بانک مرکزی (به‌عنوان یکی از منابع پایه پولی) به دنبال خود افزایش پایه پولی را به همراه خواهد داشت که در مرحله بعدی منجر به افزایش عرضه پول خواهد شد. در صورتی که رابطه مثبت بین سطح عمومی قیمت‌ها و نقدینگی در نظر گرفته شود، افزایش عرضه پول موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها خواهد شد، این افزایش قیمت‌ها منجر به کاهش ارزش واقعی مخارج دولت در دوره‌های بعد خواهد شد و دولت را وادار خواهد ساخت که

۱- Tanzi

۲- Patinkin

۳- Piontkivsky

برای جبران ارزش مخارج خود، میزان مخارج اسمی دوره بعد را افزایش دهد، اما افزایش مخارج دوره بعد، دوباره باعث تشدید کسر بودجه خواهد گردید؛ بنابراین بین افزایش مخارج دولت و سطح عمومی قیمت‌ها، یک رابطه علت و معلولی برقرار است (همان: ۹-۱۰).

سیاست‌های مالی یکی از نقاط تلاقی سیاست و اقتصاد است؛ زیرا سیاست نقش بسیار مهمی در تعیین اهداف سیاست مالی دارند. زمانی که دولت‌ها دچار مسائل اجتماعی و پیامدهای سیاسی ناشی از آن مسائل می‌باشد راهی را انتخاب می‌کند که به حل یا تخفیف آن‌ها منتهی گردد. هرچند دانشمندان در مورد تأثیر سیاست مالی بر اقتصاد اتفاق نظر ندارد، از نظر کینز توازن بودجه اهمیت چندانی برای عملکرد اقتصاد ندارد؛ اما پول‌گرایان معتقد است که اثر سیاست مالی بسیار محدود و گذرا است. اگرچه سیاست مالی می‌تواند باعث رونق اقتصادی شوند؛ اما رونق اقتصادی نرخ بهره افزایش داده و افزایش نرخ بهره، باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود، در رونق اقتصادی دوباره کاهش می‌یابد؛ بنابراین سیاست مالی اعمال شده تأثیر در ثبات اقتصادی نخواهند داشت. اقتصاددانان نئوکلاسیک‌ها معتقدند با فرض اشتغال کامل، افزایش در هزینه‌های دولت، می‌تواند به تورم بالا منجر شود. تنها مکانیسم بازار آزاد یعنی عملکرد نیروهای مربوط به عرضه و تقاضا و برخورد این دو باهم است که سیاست‌های تثبیت‌کننده اقتصادی یعنی عوامل جلوگیری‌کننده از بیکاری و تورم به وجود می‌آورد. استفاده از سیاست مالی (بخصوص مخارج دولت) بر علاوه اینکه می‌تواند تأثیر بر تولید داشته باشد ممکن تورم‌زا نیز باشد با افزایش مخارج مصرفی (مخارج جاری) و کاهش مالیات باعث افزایش تقاضای کل شود و ممکن است ایجاد تورم کند (تفضلی، ۱۳۹۲: ۷۵). اقتصاددانان دیگر مانند میلتون فریدمن<sup>۱</sup> معتقدند سیستم اقتصادی اساساً پایدار بوده و دارای عدم تعادل نیست؛ این گروه از اقتصاددانان سیاست‌گذاری نامناسب اقتصادی را عامل اصلی نوسانات اقتصادی و ناهنجاری اقتصاد می‌دانند. استفاده از سیاست مالی (بخصوص مخارج دولت) بر علاوه اینکه می‌تواند تأثیر بر تولید داشته باشد، ممکن تورم‌زا نیز باشد با افزایش مخارج مصرفی (مخارج جاری) و کاهش مالیات باعث افزایش تقاضای کل شود و ممکن است ایجاد تورم کند (فرزین‌وش و همکاران، ۱۳۸۲، ۱۲۳).

به صورت عموم درباره نحوه تأثیر مخارج دولت بر تورم دو دیدگاه را وجود دارد؛ طبق نظریه کلاسیک‌ها و پولیون، منشأ تورم به عوامل طرف تقاضا بخصوص رشد پول اسمی تعلق داشته است. این ایده با در نظر گرفتن دو فرض یکی ثابت بودن سرعت گردش پول دوم تمایل اقتصاد به وضعیت اشتغال

کامل ارتباط داشته، تورم را پدیده پولی معرفی می‌کند؛ اما کینز برای تبیین ماهیت تورم، نظریه شکاف تورم را ارائه نمود که منشأ در وضعیت در بازارهای موجود دارد. در نظریه شکاف تورمی کینز، فقط یگانگی علت که موجب بروز وقوع تورم باشد، عرضه پول نیست. در مدل شکاف تورمی کینز، نرخ تورم تابعی از اندازه شکاف تورمی (فاصله بین عرضه و تقاضای کل) است که ناشی از فشار تقاضا است (مهر آرا و همکاران، ۱۳۹۵: ۳).

اگر دولت مخارج خود افزایش دهد باعث می‌گردد که منحنی IS را به سمت راست انتقال دهد در صورتی که ثابت بودن سایر موارد این تغییر منحنی تقاضای اقتصاد را از موقعیت اولی به طرف بیرون تغییر موقعیت می‌دهد. انتقال منحنی تقاضا افزایش تقاضای کل محصول در سطح قیمت اولیه و ثابت ماندن سطح کل تولید منجر به افزایش مازاد تقاضا می‌شود و سرانجام سبب بالا رفتن سطح قیمت‌ها (تورم) می‌گردد. این افزایش قیمت‌ها، از دو جهت تأثیر می‌گذارد از یک طرف مقدار حقیقی پول را کاهش داده موجب افزایش نرخ بهره در بازار پول می‌شوند از جانب دیگر موجب کاهش تقاضای سرمایه‌گذاری در بازار محصول می‌گردد. مطابق نظریه‌ای پیشرفته مصرف ارزش حقیقی دارایی‌ها کاهش می‌یابد و باعث انتقال به سمت بالای تابع پس‌انداز و نیز کاهش تقاضای مصرفی می‌گردد. در تجارت‌های خارجی به خاطر بالا رفتن قیمت کالاها قابل تجارتی صادرات حقیقی کاهش می‌یابد این عوامل منجر می‌شود تا منحنی IS به سمت چپ تغییر موقعیت دهد. از دیدگاه بازار پول، نیز افزایش قیمت تقاضای مانده‌های اسمی را افزایش و یا عرضه مانده‌های حقیقی را کاهش می‌دهد و باعث انتقال منحنی LM به طرف چپ خواهد شد، در نتیجه درآمد و قیمت تعادلی از مقدار اولیه خود بیشتر خواهند شد (برانسون، ۱۳۸۹: ۴۸۲-۴۷۹).

اگر افزایش مخارج دولت اگر به صورت مصرفی و یا به صورت عمرانی و سرمایه‌گذاری انجام گرفته باشد، در نتیجه موجب بالا رفتن درآمد و قدرت خرید جامعه می‌شود. افزایش قدرت خرید و درآمد، افزایش تقاضا برای کالا خدمات را به در پی خواهد داشت. اگر با افزایش تقاضا، تولید و عرضه کل متناسب به آن در جامعه افزایش نیابد تولید قدرت پاسخ‌گویی به تقاضای افزایش یافته را نمی‌دارد، در این صورت مخارج عمومی قیمت‌ها را به دلیل کمبود عرضه نسبت به تقاضا افزایش خواهند داد (مهر آرا و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۸).

در این گونه تورم طوری که از نام آن پیدا است منشأ و علت اصلی پیدایش تورم، افزایش مخارج دولت بوده که باعث عدم تعادل تقاضا نسبت به امکانات عرضه می‌گردد؛ اما برخی از دانشمندان اقتصاد

این نوع تورم را ناشی از تقاضای اضافی<sup>۱</sup> بیان می‌نماید که در حقیقت مخارج دولت عامل مهم تورم در این خصوص است که مخارج اضافی را ایجاد می‌نماید. دولت‌ها همواره سعی می‌دارند که هزینه‌های خود را با درآمدهای خود منطبق سازند و برای این هدف لازم است تلاش نماید که سطح تورم افزایش نیابد؛ بدین لحاظ مخارج دولت در اقتصاد یک کشور، نقش اساسی و مهم را ایفا می‌نمایند به طوری که مخارج جاری تأثیر قابل ملاحظه بر قدرت تولید کشور نداشته، اما این نوع مخارج باعث افزایش درآمد برای یک تعداد افراد جامعه گردیده و سطح تقاضا جامعه را افزایش می‌دهد که در حقیقت افزایش تقاضا بدون افزایش تولید تشدیدکننده تورم است. افزایش مخارج عمرانی بر علاوه اینکه منجر به افزایش درآمد جامعه و افزایش تقاضا از طریق سرمایه‌گذاری بخش زیر بنایی، توان تولید و قدرت اقتصاد کشور را نیز بالا می‌برد، پس مخارج عمرانی هم از جهت درآمدی و هم از طرف تولید بر اقتصاد تأثیرپذیر بوده بنا شاید در قسمت افزایش تورم به اندازه مخارج جاری دولت نقش نداشته باشد (همان: ۱۰۵-۷۵).

### پیشینه تحقیق

اولینق بو<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) با استفاده از داده‌های کشور نیجریه طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۷۰، با به کارگیری مدل VAR به بررسی رابطه غیرممتقارن مخارج دولت و تورم در این کشور پرداخت. نتایج نشان می‌دهند که یک رابطه یک طرفه از سمت مخارج دولت منفی (مخارج دولتی با سطح پایین یا مخارج انقباضی) به سمت تورم مثبت (تورم سطح بالا) وجود دارد که با کاهش مخارج دولت، امکان کاهش رشد اقتصادی وجود دارد و کاهش رشد اقتصادی جامعه را به سمت تورم سوق می‌دهد.

موسی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی با استفاده از داده‌های کشور نیجریه طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۷۰ با به کارگیری مدل VAR به بررسی رابطه غیرممتقارن مخارج دولت و تورم در کشور نیجریه پرداخته‌اند. به این نتیجه دست یافتند که یک رابطه یک طرفه از سمت مخارج دولت منفی (مخارج دولتی با سطح پایین یا مخارج دولتی انقباضی) به سمت تورم مثبت (تورم سطح بالا) وجود دارد که با کاهش مخارج دولت، امکان کاهش رشد اقتصادی وجود دارد و کاهش رشد اقتصادی، جامعه را به سمت تورم سوق می‌دهد.

سورجانیش همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی با استفاده از داده‌ها فصلی کشور مالزی طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۹۰ و با به کارگیری مدل VAR و مدل ECM به بررسی تأثیر سیاست مالی بر تورم و رشد اقتصادی

1- Excess Demand Inflation  
1- Olayungbo  
2- Musa et al  
۳- Surjaningsih et al  
4- Vector Auto Regressive

پرداختند. نتایج ایشان حاکی از آن است که تأثیر مخارج دولت و مالیات در بلندمدت بر رشد اقتصادی مثبت است.

ما کازینو<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در پژوهشی با به‌کارگیری داده‌های کشورهای حاشیه دریای مدیترانه طی دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۹، با استفاده از مدل ECM<sup>۲</sup> و آزمون هم‌انباشتگی یوهانسون و آزمون علیت گرنجر به بررسی رابطه بین تورم با مخارج دولت پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه بلندمدت بین تورم و مخارج دولت تنها در کشور پرتغال وجود دارد. در کوتاه‌مدت رابطه یک‌طرفه‌ای از سمت مخارج دولت به تورم در کشورهای قبرس، مالت و اسپانیا وجود دارد. همچنین رابطه دوطرفه بین دومتغیره در کشور ایتالیا صادق است و رابطه یک‌طرفه‌ای از سمت تورم به مخارج دولت در کشور فرانسه برقرار است.

ازبریم و موقالو<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در پژوهشی با استفاده از داده‌های سالانه کشور آمریکا، طی دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۷۰، با بکارگیری مدل OLS و آزمون هم‌انباشتگی یوهانسون رابطه بین مخارج دولت و تورم اقتصادی کشور آمریکا را تحت مطالعه قراردادند. نتایج این تحقیق نشان داد است که رابطه‌ای دوطرفه بین مخارج دولت و تورم وجود دارد به‌نحوی که تورم، تأثیر مثبتی بر مخارج دولت آمریکا دارد و افزایش مخارج دولت، تورم در آمریکا را تشدید می‌نماید.

دکاسترو و هراندز<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی با استفاده از داده‌های فصلی اسپانیا طی دوره زمانی ۱۹۹۲-۲۰۰۴، با استفاده از مدل SVAR<sup>۵</sup> به بررسی تأثیر شوک‌های مالی بر اقتصاد پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در اسپانیا یک رابطه مثبت بین مخارج دولتی و سطح تولید در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت وجود دارد و شوک‌های انبساطی تنها منجر به افزایش تورم و تولید کمتر می‌شود.

امیت و نلسون<sup>۶</sup> (۲۰۰۲)، در پژوهشی به بررسی نرخ ارز و تورم در انگلیستان پرداخته‌اند. نتایج آن نشان می‌دهند که تغییر نرخ ارز از طریق قیمت کالاهای واسطه‌ای وارداتی روی سطح قیمت‌ها و تورم مؤثر است.

چادھاری و احمد<sup>۷</sup> (۱۹۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان "عرضه پول، کسری و تورم را در پاکستان" در دهه ۱۹۷۰ مورد مطالعه قراردادند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داده که تأمین مالی کسری بودجه از منابع داخلی

1- Magazzino

2- Error Corresction Model

3- Ezirim and Muoghalu

4- De Castro and Hermandes

5- Structura Vector Auto Regressive

6- Amit & Nelson

۷- Chaudhary & Ahmad



به‌ویژه استفاده از سیستم بانکی، تورم را در درازمدت افزایش می‌دهد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق، رابطه مثبت بین کسری بودجه و تورم طی دوره مورد مطالعه در پاکستان نیز تأیید می‌شود.

آق ولی و خان<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) در مطالعه‌ای که به بررسی رابطه بین کسری بودجه و تورم در ۴ کشور برزیل، کلمبیا، جمهوری دومینیکن و تایلند پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از یک مدل کاربرد، رابطه بین سیاست کسری بودجه و تورم را در ۴ کشور ذکر شده تحت بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست‌یافت که مخارج دولت خیلی سریع‌تر نسبت به درآمدهای دولت در برابر تورم تعدیل می‌شوند، در نتیجه تورم در این کشورها کسری بودجه دولت را افزایش می‌دهد

پیونکیوسکی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) مطالعه‌ای تحت عنوان "تأثیر کسر بودجه بر تورم در اوکراین" به بررسی رابطه بین کسری بودجه و تورم تأثیرات متقابلی که این دو متغیر بر یکدیگر از داده‌های ماهانه طی سال‌ها ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ در کشور اوکراین و با استفاده از مدل VAR پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که عدم تعادل مالی در دوره مورد مطالعه بر تورم مؤثر است و یک کاهش در کسر بودجه به اندازه یک درصد GDP منجر به کاهش ۸ درصدی در تورم سالانه این کشور خواهد شد.

جعفری (۱۳۹۵)، در پژوهشی اثرات کسر بودجه دولت و حجم نقدینگی پول بر تورم در اقتصاد ایران را تحت مطالعه قرار دادند، در این تحقیق با ارائه‌ی یک مدل اقتصادسنجی در قالب الگوی خود رگرسیون خود توزیعی اثر متغیرها بر تورم پرداخته شده نتایج تحقیق نشان داده که کسر بودجه، حجم نقدینگی و شاخص بهای کالاهای وارداتی اثر مثبت بر تورم دارد، همچنین نرخ بهره و تولید ناخالص داخلی اثر معنی‌دار بر تورم ندارد.

ابونوری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با استفاده از داده‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۵ با بکارگیری روش VAR، اثرات درآمدهای مالیاتی، مخارج جاری و عمرانی را به متغیرهای کلان اقتصادی ایران را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مقدار مالیات، مخارج جاری و عمرانی تأثیر مثبت و نرخ بهره حقیقی، اثر منفی بر تولید ناخالص داخلی دارد. همچنین اثر مخارج جاری و عمرانی دولت بر تورم مثبت است.

تنهاگرد (۱۳۸۸)، در پژوهشی به تحلیل و بررسی تأثیر مخارج دولت بر تورم و عرضه پول در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۵۰ با استفاده از الگو معادلات هم‌زمان به روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای را پرداخته است. بدین منظور متغیرهای برون‌زای مخارج مصرفی درصدی از تولید ناخالص داخلی، مخارج

۱- Aghevli & Khan, 1978

۲- Piontkivsky et al

عمرانی، نرخ ارز، پایه پولی و تورم بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تورم و عرضه پول موردبررسی قرار گرفتند، نتایج کمی حاصل از برآورد مدل طی دوره موردبررسی نشان می‌دهد که بین مخارج عمرانی و عرضه پول رابطه مثبت وجود دارد، رابطه مخارج مصرفی با عرضه پول معنی‌دار نیست، رابطه مخارج عمرانی و تورم معنی‌دار نیست، رابطه مخارج مصرف و تورم معنی‌دار نیست. تورم سال گذشته با تورم رابطه مثبت دارد و پایه پولی نیز با عرضه پول مؤثر است. عزیزی، ۱۳۸۵، در پژوهشی به بررسی رابطه بین کسری بودجه و تورم طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۴ در اقتصاد ایران پرداخته است. نتایج پس از برآورد رابطه میان تورم و کسری بودجه نشان می‌دهد که این رابطه به لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

### مدل و روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری (VAR) انجام می‌شود؛ زیرا مدل‌های معادلات هم‌زمان مبتنی بر رویکردی است که طبق آن، برخی متغیرها را درون‌زا و برخی دیگر را برون‌زا فرض می‌کند. تعیین متغیرها به دو دسته درون‌زا و برون‌زا ممکن است پشتوانه نظری داشته باشد یا ممکن است سلیقه‌ای باشد. حتی زمانی که پشتوانه نظری دارد، در خصوص آن تردیدهایی مطرح می‌شود و ممکن است نتایج تجربی با مبانی نظری در تناقض باشد. به‌هرحال در شرایطی که مطمئن نیستیم چه متغیرهایی درون‌زا و چه متغیرهای برون‌زا هستند، از رویکرد که معروف به خود رگرسیون برداری (VAR) است، استفاده می‌شود. این رویکرد بر این نکته تأکید دارد که بایستی در مدل‌سازی به‌ویژه در تعیین متغیرهای درون‌زا و برون‌زا، از اعمال سلیقه‌های فردی پرهیز شود و لذا همه متغیرها را درون‌زا در نظر می‌گیرد (سوری ۱۳۹۵: ۷۷). فرم اولیه الگوی VAR که متشکل از دو متغیر  $Y_{1t}$  و  $Y_{2t}$  است در هر معادله هر تابعی از متغیر دیگر و وقفه هر دو متغیر است:

$$Y_{1t} = \gamma_{10} + \gamma_{11}Y_{1t-1} + \gamma_{12}Y_{2t-1} + \alpha_{12}Y_{2t} + \varepsilon_{1t} \quad (1)$$

$$Y_{2t} = \gamma_{20} + \gamma_{21}Y_{1t-1} + \gamma_{22}Y_{2t-1} + \alpha_{21}Y_{1t} + \varepsilon_{2t} \quad (2)$$

معادلات بالا را می‌توان به‌صورت زیر بازنویسی کرد:

$$Y_{1t} - \alpha_{12}Y_{2t} = \gamma_{10} + \gamma_{11}Y_{1t-1} + \gamma_{12}Y_{2t-1} + \varepsilon_{1t} \quad (3)$$

$$-\alpha_{00}Y_{00} + Y_{00} = \gamma_{00} + \gamma_{00}Y_{00-0} + \gamma_{00}Y_{00-0} + \varepsilon_{00} \quad (۴)$$

شکل ماتریسی معادلات بالا به صورت زیر است:

$$\begin{bmatrix} 1 & -\alpha_{12} \\ -\alpha_{21} & 1 \end{bmatrix} \cdot \begin{bmatrix} Y_{1t} \\ Y_{2t} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \gamma_{10} \\ \gamma_{20} \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} \gamma_{11} & \gamma_{12} \\ \gamma_{21} & \gamma_{22} \end{bmatrix} \cdot \begin{bmatrix} Y_{1t-1} \\ Y_{2t-1} \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} \varepsilon_{1t} \\ \varepsilon_{2t} \end{bmatrix} \quad (۵)$$

شکل خلاصه شده ماتریس بالا به صورت زیر است:

$$Ay_t = \Gamma + \Gamma_1 y_{t-1} + \varepsilon_t \quad (۶)$$

فرم اولیه الگوی VAR مشابه معادلات هم‌زمان است که در آن علاوه بر مقادیر با وقفه، مقادیر جاری متغیر  $y_t$  نیز در هر یک از معادلات وجود دارد. در عمل معمولاً یک الگوی VAR بیش از دو متغیر درون‌زا دارد و درعین‌حال تعداد وقفه‌های متغیرها نیز بیش از یک است (پیش‌بهار، ۱۳۹۷: ۹۲۰-۹۲۲). در ادامه این پژوهش سعی دارد اثر سیاست مالی دولت (مخارج دولت) بر تورم در اقتصاد افغانستان را با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری و داده‌های سالانه از سال ۱۳۹۵-۱۳۸۱ مورد بررسی قرار دهد. مدل مورد استفاده در این پژوهش قرار معادله (۷) ذیل است:

$$INF = B_1 + \beta_2 G_1 + \beta_3 G_2 + \beta_4 RM + \beta_5 EX_1 + \beta_6 GDP + \varepsilon \quad (۷)$$

در معادله فوق (۷) متغیر وابسته تورم (INF) و متغیرهای مستقل شامل مخارج جاری حقیقی (RG1)، مخارج عمرانی حقیقی (RG2)، حجم نقدینگی (RM)، نرخ ارز (EX1)، تولید ناخالص داخلی (GDP) و جز اخلاص (E) می‌باشند.

### یافته‌های پژوهش

مدل‌سازی اقتصادسنجی با استفاده از سری‌های زمانی به روش‌های سنتی و معمولی مبتنی بر فرض ایستای متغیرهای سری زمانی است. بر این اساس عموماً فرض می‌شود که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان ثابت بوده و کوواریانس بین هردو مقدار از متغیر سری‌های زمانی تنها بستگی به فاصله زمانی بین آن‌ها دارد؛ اما متغیرهای کلان اقتصادی اغلب حاوی یک‌روند تصادفی (ریشه واحد) هستند که با تفاضل‌گیری روند مذکور حذف می‌شود. از آنجاکه حضور روند، تخمین و استنباط‌های آماری را غیر معتبر می‌سازد، لذا اولین گام برای تحلیل‌های اقتصادسنجی، ساکن نمودن متغیرهاست. روند تصادفی متغیرها (ریشه واحد)، با استفاده از آزمون‌های ریشه واحد مشخص می‌گردد (سوری، ۱۳۹۵: ۷۷).

## ۱.۱. آزمون ریشه واحد

به منظور بررسی مانایی متغیرها، از آزمون‌های دیکی-فولر تعمیم‌یافته (ADF) و فیلیپس پرون (pp) استفاده شده و نتایج به دست آمده از آن‌ها قرار جدول‌های (۱) و (۲) ذیل اند:

جدول (۱): نتایج آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته

متغیر	مقدار بحرانی مک-کینون در سطح ۵٪	مقدار آماره $t$ بعد از تفاضل گیری	نتیجه
<i>INF</i>	-۲,۹۱۵	-۵,۱۶۵	I(۱)
<i>RG<sub>1</sub></i>	-۲,۹۲۱	-۷,۸۳۳	I(۲)
<i>RG<sub>2</sub></i>	-۲,۹۲۱	-۷,۲۳۲	I(۲)
<i>RM</i>	-۲,۹۲۱	-۷,۲۳۲	I(۲)
<i>EX<sub>1</sub></i>	-۲,۹۱۵	-۱۲,۴۱۲	I(۲)
<i>GDP</i>	۲,۹۱۶	-۶,۳۵۸	I(۲)

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده، از جدول (۱) نشان می‌دهند که تمام متغیرها در سطح نامانا است؛ ولی با تفاضل گیری، همه متغیرها مانا شده‌اند؛ زیرا مقادیر قدر مطلق آماره  $t$  گزارش شده برای متغیرها از مقادیر قدر مطلق کمیت بحرانی مک-کینون در سطح خطای ۵٪ بزرگ‌ترند.

جدول (۲): نتایج آزمون فیلیپس پرون

متغیر	مقدار بحرانی مک-کینون در سطح ۵٪	مقدار آماره فیلیپس پرون بعد از تفاضل گیری	نتیجه
<i>INF</i>	-۲,۹۱۲	-۴,۴۰۱	I(۱)
<i>RG<sub>1</sub></i>	-۲,۹۱۲	-۴,۷۴۴	I(۱)
<i>RG<sub>2</sub></i>	-۲,۹۱۲	-۴,۷۱۰	I(۱)
<i>RM</i>	-۲,۹۱۲	-۴,۷۳۸	I(۱)

۱- AUGMENTED DICKEY-FULLER TEST (ADF TEST)

2- Phillips-Porron

3- MACKINNON.

$EX_I$	-۲,۹۱۲	-۷,۹۳۷	I(۱)
$GDP$	-۲,۹۱۳	۹,۹۰۱	I(۲)

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج به‌دست‌آمده، از جدول (۲) نیز نشان می‌دهند که تمام متغیرها در سطح نامانا است؛ ولی با تفاضل‌گیری، همه متغیرها مانا شده‌اند؛ زیرا مقادیر قدر مطلق آماره فیلیپس پرون گزارش شده برای متغیرها از مقادیر قدر مطلق کمیت بحرانی مک-کینون در سطح خطای ۵٪ بزرگ‌ترند.

## ۲. تعیین طول وقفه بهینه

در تخمین الگوهای خود رگرسیون برداری انتخاب طول وقفه یک مسئله‌ی مهم است چون طول وقفه‌های کوتاه سبب تصریح نادرست و طول وقفه‌ی بلند سبب از دست دادن درجه‌ی آزادی می‌گردد. در الگوی خود رگرسیون برداری وقفه‌های زیاد سرعت درجه‌ی آزادی مدل را کاهش می‌دهند. برای تعیین طول وقفه‌ها معیارهای مختلفی مانند آکائیک<sup>۱</sup> (AIC)، شوارتز بیزین<sup>۲</sup> (SBC)، حنان کوئین<sup>۳</sup> (HQ) و خطای پیش‌بینی نهایی<sup>۴</sup> (FPE) وجود دارند؛ ولی طول وقفه بهینه بر اساس معیار شوارتز بیزین انتخاب شده است؛ زیرا زمانی که تعداد مشاهدات کم‌تر از ۱۰۰ باشد معیار شوارتز بیزین نتایج بهتری را نسبت به سایر متغیرها به‌دست می‌دهد (گرچی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۵).

جدول (۳): تعیین وقفه بهینه

معیارها	مقدار آماره‌های معیارها	تعداد وقفه
AIC	۵۹.۸۵۱۱۵*	۲
SBC	۶۲.۴۲۵۷۹*	۱
HQ	۶۰.۹۴۴۸۵*	۲
FPE	۴.۱۷□+۱۸*	۲

منبع: یافته‌های پژوهش

## ۳. آزمون هم‌انباشتگی

زمانی متغیرها در سطح مانا نباشد و با تفاضل‌گیری مانا شوند، برای اطمینان از هم‌انباشتگی آن‌ها در

۱- Akaike Information Criterion

۲- Schwarts Bayesian Criterion

۳- Hanannan- Quinn Criterion

۴- Finan Prediction Error

درازمدت باید آزمون هم انباشتگی انجام شود که یکی از آن مدل‌ها جوهانسون- جوسیلیوس است. برای تعیین تعداد بردارهای همگرایی از دو آزمون حداکثر مقدار ویژه و آزمون اثر استفاده می‌شود. معیارهای انتخاب در این آزمون‌ها رد یا قبولی فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. بدین لحاظ که اگر آماره آزمون بزرگ‌تر از مقادیر بحرانی باشد. فرضیه صفر رد می‌شود و اگر آماره آزمون کوچک‌تر از مقادیر بحرانی باشد، نمی‌توان فرضیه صفر را رد کرد (گجراتی، ۱۳۸۳: ۹۳۰-۹۲۹). نتایج مربوط به آزمون حداکثر مقادیر ویژه آزمون اثر قرار جدول‌های ذیل‌اند:

جدول (۴): آزمون هم‌انباشتگی اثر

سطح احتمال	سطح بحرانی	آماره آزمون اثر	مقادیر ویژه	فرضیه H1	فرضیه H0
۰,۰۰۸	۸۳,۹۳۷	۹۳,۵۶۲	۰,۳۶۷	$r=1$	$r=0$
۰,۱۳	۷۶,۹۷۲	۷۰,۹۰۵	۰,۳۰۳	$r=2$	$1 \leq r \leq 2$
۰,۱۴	۹۵,۷۵۳	۸۸,۱۸۲	۰,۳۶۱	$r=3$	$1 \leq r \leq 2$
۰,۱۴۲	۱۱۷,۷۰۷	۱۰۹,۸۰	۰,۳۷۹	$r=4$	$2 \leq r \leq 3$
۰,۰۸	۱۰۷,۳۶	۱۰۳,۴۲۲	۰,۳۷۸	$r=5$	$3 \leq r \leq 4$

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۵): آزمون هم‌انباشتگی حداکثر مقادیر ویژه

سطح احتمال	سطح بحرانی	آماره آزمون حداکثر مقادیر ویژه	مقادیر ویژه	فرضیه H1	فرضیه H0
۰,۴۴	۳۶,۶۳۰	۲۶,۶۰۶	۰,۳۶۷	$r=1$	$r=0$
۰,۷۴	۳۴,۸۰۵	۲۱,۰۱۱	۰,۳۰۳	$r=2$	$1 \leq r \leq 2$
۰,۶۹	۴۰,۰۷۷	۲۶,۰۵۴	۰,۳۶	$r=3$	$1 \leq r \leq 2$
۰,۸۲	۴۴,۴۹۷	۲۷,۶۹۲	۰,۳۷۹	$r=4$	$2 \leq r \leq 3$
۰,۷۷۸	۴۳,۴۱۹	۷۷,۵۶۸	۰,۳۷۸	$r=5$	$3 \leq r \leq 4$

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج به‌دست آمده از جدول (۴) آزمون هم‌انباشتگی اثر نشان می‌دهد که بین متغیرها یک بردار همگرا وجود دارد؛ زیرا آماره آزمون آن بزرگ‌تر از مقدار آماره در سطح خطای ۵ درصد است؛ اما نتایج جدول (۵) آزمون هم‌انباشتگی حداکثر مقادیر ویژه نشان می‌دهند که بین متغیرها هیچ بردار همگرا وجود

ندارد. در نتیجه بر اساس آزمون اثر در سطح اطمینان ۹۵٪ در تابع اثر مخارج دولت بر تورم بر وجود یک رابطه هم جمعی تأکید شده است.

#### ۴. تصریح مدل VAR

برای تحلیل نتایج به این نکته باید توجه نمود که در تخمین به روش VAR به طور اساسی، در برآوردهای دستگاه معادلات، ضرایب و درصد توضیح دهنده پارامترهای الگو اهمیت روش‌های تک معادله‌ای را ندارند؛ بنابراین از تکنیک‌های تابع واکنش آنی و تجزیه واریانس برای تحلیل اثرات تکانه‌ها استفاده می‌شود. همان‌طور که اشاره شد الگوهای مورد مطالعه به صورت زیر می‌باشند:

$$INF = \beta_1 + \beta_2 G_1 + \beta_3 G_2 + \beta_4 RM + \beta_5 EX_1 + \beta_6 GDP + \varepsilon$$

جدول (۶): تخمین مدل با روش خود رگرسیون برداری

متغیرها با یک وقفه	تورم	مخارج جاری	مخارج عمرانی	حجم حقیقی پول	نرخ ارز	تولید ناخالص داخلی	
INF(۱)	۰.۰۷۳۰۳۸	-۳.۱۵۱۷۵	۳۳۰۰.۸۶۷	-۳۲۷.۳۸۱۱۴	-۰.۰۵۰۳۱۷	۰.۰۰۷۳۸۷	
	(۰.۰۵۶۱۳)	(۱۷۶۶.۵۴)	(۹۱۴۶۲۵)	(۱۲۱.۱۶)	(۰.۱۱۳۳)	(۰.۰۰۶۶۵)	انحراف معیار
	[۱۳۷۵۵۳]	[-۰.۱۶۹۳]	[۰.۳۴۰۱۱]	[-۰.۳۵۰۰۳]	[-۰.۲۳۴۹۱]	[۱.۱۱۰۶۳]	آماره t
RGI(۱)	۲۵.۰۰-۰.۵	-۰.۳۵۵۵۳۷	-۰.۶۲۱۶۳۷	-۰.۸۴-۹۳۰	۶.۸۷۰-۰.۵	-۳.۰۷۰-۰.۶	
	(۲۶۰-۰.۵)	(۰.۸۳۳۲۹)	(۰.۴۳۳۸۹)	(۰.۵۶۵۹۶)	(۵.۲۰-۰.۵)	(۲.۱۰-۰.۶)	انحراف معیار

آماره t		انحراف معیار	آماره t		انحراف معیار	آماره t		انحراف معیار	آماره t
[ -۰.۵۷۰۶۸ ]	۴.۳۱۴-۰.۶	(۳.۵۱-۰.۶)	[ ۱.۲۲۲۳۳ ]	-۶.۱۶۴-۰.۷	(۳.۲۱-۰.۶)	[ -۰.۱۸۸۷۴ ]	-۰.۰۰۰۰۷۲۳	(۰.۰۰۰۳۳۳)	[ ۳.۱۰۴۵۷ ]
[ ۱.۳۰۹۷۷ ]	-۷.۶۵۴-۰.۵	(۶.۰۴-۰.۵)	[ -۱.۲۷۰۱۶ ]	-۳.۳۹۴-۰.۵	(۵.۶۴-۰.۵)	[ -۰.۵۹۲۵۰ ]	۰.۹۷۰۸۱۲	(۰.۰۰۳۹۵۹)	[ ۳۴.۵۲۳۷ ]
[ -۱.۳۸۵۸۴ ]	۰.۷۵۸۱۱	(۰.۶۳۹۶۴)	[ ۱.۱۶۷۱۳ ]	۱.۵۰۱۸۰۵	(۰.۵۹۹۵۰)	[ ۲.۵۰۵۰۹ ]	-۱.۳۵۶۳۹۲	(۴.۲۷۰۳۳)	[ -۰.۳۱۷۶۶ ]
[ -۱.۳۶۳۴۱ ]	۱.۳۳۳۵۸۷	(۰.۶۸۷۵۹)	[ ۲.۹۴۰۱۶ ]	۰.۳۳۳۴۵۷	(۰.۴۳۹۹۶)	[ ۱.۰۵۲۲۲ ]	-۷۸.۲۷۳۱۸	(۳۳۰.۵۰۴)	[ -۰.۳۳۴۳۳ ]
[ -۰.۴۳۱۸۶ ]	۱.۳۱۶۸۷۸	(۰.۹۴۵۰۱)	[ ۱.۲۸۷۶۳ ]	۰.۸۵۴۳۳۱	(۰.۸۷۲۰۸)	[ ۰.۹۱۹۷۶ ]	-۳۷۸.۶۳۳۶	(۶۲۱.۱۷۹)	[ -۰.۳۸۴۱۸ ]
[ ۰.۹۶۰۸۷ ]	-۹.۱۳۴-۰.۵	(۳.۰۴-۰.۵)	[ -۳.۰۵۷۷۹ ]	۲.۰۰۴-۰.۵	(۲.۸۴-۰.۵)	[ ۱.۰۸۷۶۲ ]	۰.۰۰۰۹۳۰۹	(۰.۰۰۱۹۶۳)	[ ۰.۲۷۴۳۶ ]
		RG2(-۱)			RM(-۱)			EX1(-۱)	



GDP(-1)	۱۰۱۴۴۸۵	انحراف معیار	آماره t	C	۲۰۸۵۶۶۶	انحراف معیار	آماره t
	(۰۰۱۰۴۰)	[ ۹۷۵۶۶۲ ]	۲۰۴۱۶۰۶		(۰۱۲۵۵۰)	[ ۲۸۸۱۳۳ ]	
	(۰۰۱۷۶۸)	[ ۰۳۰۹۷۶ ]	۲۰۸۵۶۶۶		(۲۰۱۳۶۱۶)	[ ۰۰۹۷۶۸۳ ]	
۳۱۱۱۲۳۳	(۱۹۰۹۰۱۵)	[ ۱۶۳۶۶۴ ]	-۴۳۰۹۰۸۳۱	(۳۳۰۳۲۹)	[ -۰۰۱۸۰۵۵ ]		
۲۵۴۰۰۱۴۷	(۱۴۳۲۰۹۲)	[ ۱۷۷۳۷۱ ]	-۶۷۲۹۳۳۲۲	(۱۷۲۹۴۹)	[ -۰۰۳۸۹۰۹ ]		
۴۸۵۰۰۰۱۸	(۳۷۷۰۰۱۸)	[ ۱۷۲۶۷۸ ]	-۷۰۸۹۰۴۳۰	(۳۳۵۱۹۹)	[ -۰۰۳۱۱۵۰ ]		
-۰۰۲۶۰۲۱۹	(۰۰۰۸۷۳)	[ -۲۰۹۶۵۷۹ ]	۱۳۱۶۱۶۶۱	(۱۰۵۹۰۰)	[ ۱۰۲۳۳۹ ]		

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده از جدول (۶) نشان می‌دهند افزایش در مخارج عمرانی سبب کاهش تورم می‌گردد و با ضرایب t معنی دارند؛ همچنین اثر حجم حقیقی پول و نرخ ارز بر تورم مثبت و افزایش آن‌ها سبب افزایش تورم می‌گردد؛ ولی اثر تولید ناخالص داخلی بر تورم منفی و به لحاظ آماری نیز معنی‌دار است. در کل اثر تورم، مخارج جاری حقیقی، نرخ ارز و حجم نقدینگی حقیقی بر تورم مثبت گزارش شده؛ ولی اثر مخارج عمرانی حقیقی و تولید ناخالص داخلی بر تورم منفی‌اند. از این رو در یک جمع‌بندی به این نتیجه می‌رسیم که سیاست مالی انبساطی دولت افغانستان (افزایش مخارج جاری حقیقی) سبب افزایش تورم ولی افزایش مخارج عمرانی حقیقی تورم را کاهش می‌دهد.

از آنجاکه در تحلیل مدل VAR و استفاده از نتایج آن معمولاً از تجزیه واریانس و توابع واکنش استفاده می‌شوند؛ لذا توجه کمتری به معیارهای مانند معنی‌دار بودن ضرایب با استفاده از آماره t می‌شود؛

زیرا در مدل‌های VAR متغیرهای توضیحی معمولاً هم خطی شدید دارند؛ لذا آماره  $t$  نمی‌تواند معیار مطمئنی برای مناسب بودن یا نبودن متغیرها باشد (سوری، ۱۳۹۶: ۹۷۸).

### ۵. نتایج توابع عکس‌العمل آنی (واکنش ضربه‌ای)

در تحلیل توابع عکس‌العمل آنی، در مدل خود رگرسیون برداری اثر یک انحراف معیار تکانه بر یک متغیر را روی متغیرهای دیگر بررسی می‌شود. به عبارت دیگر، اگر یک تکانه یا تغییر ناگهانی به اندازه یک انحراف معیار در تورم، حجم نقدینگی حقیقی، مخارج جاری حقیقی دولت، مخارج عمرانی حقیقی دولت، تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز ایجاد شوند، اثر آن بر تورم در دوره‌های بعد چگونه خواهد بود. نتایج حاصل از توابع عکس‌العمل آنی قرار جدول (۷) ذیل‌اند:

جدول (۷): نتایج توابع عکس‌العمل آنی تورم نسبت به تکانه وارده در سایر متغیرها

دوره	تورم	مخارج جاری	مخارج عمرانی	حجم حقیقی پول	نرخ ارز	تولید ناخالص داخلی
1	0.703031	0.000000	0.000000	0.000000	0.000000	0.000000
2	0.571365	-0.023740	-0.063971	0.043948	0.019194	-0.009837
3	0.444742	-0.039888	-0.102665	0.077487	0.035286	-0.017955
4	0.328013	-0.049758	-0.121089	0.101055	0.048559	-0.024372
5	0.224353	-0.054477	-0.124008	0.115526	0.059332	-0.029186
6	0.135514	-0.055012	-0.115751	0.122055	0.067935	-0.032547
7	0.062080	-0.052199	-0.100092	0.121955	0.074688	-0.034633
8	0.003730	-0.046761	-0.080188	0.116593	0.079889	-0.035641
9	-0.040526	-0.039323	-0.058568	0.107301	0.083809	-0.035766
10	-0.072127	-0.030428	-0.037163	0.095320	0.086680	-0.035192
11	-0.092782	-0.020550	-0.017352	0.081752	0.088700	-0.034089
12	-0.104309	-0.010095	-3.87E-05	0.067540	0.090033	-0.032607
13	-0.108520	0.000588	0.014279	0.053451	0.090811	-0.030870
14	-0.107129	0.011202	0.025425	0.040080	0.091135	-0.028982
15	-0.101688	0.021498	0.033469	0.027859	0.091084	-0.027024
16	-0.093551	0.031275	0.038657	0.017074	0.090717	-0.025057
17	-0.083853	0.040371	0.041351	0.007879	0.090077	-0.023125
18	-0.073508	0.048664	0.041971	0.000325	0.089194	-0.021256
19	-0.063219	0.056066	0.040962	-0.005625	0.088090	-0.019468
20	-0.053496	0.062521	0.038755	-0.010069	0.086782	-0.017767
21	-0.044682	0.068001	0.035746	-0.013152	0.085282	-0.016154
22	-0.036974	0.072504	0.032281	-0.015045	0.083601	-0.014625
23	-0.030454	0.076047	0.028650	-0.015932	0.081750	-0.013174
24	-0.025117	0.078664	0.025080	-0.016001	0.079740	-0.011791
25	-0.020891	0.080404	0.021740	-0.015429	0.077582	-0.010468
26	-0.017660	0.081327	0.018743	-0.014382	0.075288	-0.009197

27	-0.015283	0.081499	0.016157	-0.013007	0.072871	-0.007971
28	-0.013610	0.080993	0.014006	-0.011428	0.070346	-0.006785
29	-0.012488	0.079881	0.012287	-0.009750	0.067727	-0.005634
30	-0.011777	0.078240	0.010969	-0.008058	0.065029	-0.004515

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج به‌دست آمده از جدول (۷) نشان می‌دهند، اگر شوک به‌اندازه یک انحراف معیار در متغیر تورم وارد شود، در دوره‌ی اول به‌اندازه ۰,۷۰ واحد، در دوره‌ی دوم به‌اندازه ۰,۵۷ واحد و در دوره‌ی سوم به‌اندازه ۰,۴۴ واحد افزایش را در تورم ایجاد می‌کند. این روند به‌مرور زمان کاهش‌یافته و از دوره‌ی هشتم به بعد اثر آن منفی می‌شود. همچنان اگر شوک به‌اندازه یک انحراف معیار در مخارج جاری وارد شود، در دوره‌ی اول اثر آن صفر، ولی در دوره‌ی دوم به‌اندازه ۰,۲۳ واحد و در دوره‌ی سوم به‌اندازه ۰,۳۹ واحد کاهش را در تورم ایجاد می‌کند. این روند تا دوره‌ی دوازدهم ادامه داشته و از این دوره به بعد اثر آن مثبت می‌شود؛ یعنی افزایش مخارج جاری حقیقی بر تورم در کوتاه‌مدت سبب کاهش تورم؛ ولی در بلندمدت تورم را افزایش داده و اثر آن نامیرا است.

نتایج به‌دست‌آمده از جدول (۷) نیز نشان می‌دهند، اگر شوک به‌اندازه یک انحراف معیار در مخارج عمرانی وارد شود، در دوره‌ی اول اثر آن صفر، ولی در دوره‌ی دوم به‌اندازه ۰,۶۹ واحد و در دوره‌ی سوم به‌اندازه ۰,۱۰۲ واحد کاهش را در تورم ایجاد می‌کند. این روند تا دوره‌ی دوازدهم ادامه داشته و از این دوره به بعد اثر آن مثبت می‌شود؛ یعنی افزایش مخارج عمرانی بر تورم در کوتاه‌مدت سبب کاهش تورم؛ ولی در بلندمدت تورم را افزایش داده و اثر آن نامیرا است. همچنان اگر شوک به‌اندازه یک انحراف معیار در حجم حقیقی پول وارد شود، در دوره‌ی اول اثر آن صفر، ولی در دوره‌ی دوم به‌اندازه ۰,۴۳ واحد و در دوره‌ی سوم به‌اندازه ۰,۷۷ واحد افزایش را در تورم ایجاد می‌کند. این روند تا دوره‌ی هجدهم ادامه داشته و از این دوره به بعد اثر آن منفی می‌شود؛ یعنی افزایش حجم حقیقی پول در کوتاه‌مدت سبب افزایش تورم؛ ولی در بلندمدت اثر آن نامیرا است.

نتایج به‌دست‌آمده از جدول (۷) نیز نشان می‌دهند، اگر شوک به‌اندازه یک انحراف معیار در نرخ ارز وارد شود، در دوره‌ی اول اثر آن صفر، ولی در دوره‌ی دوم به‌اندازه ۰,۱۹ واحد و در دوره‌ی سوم به‌اندازه ۰,۳۵ واحد افزایش را در تورم ایجاد می‌کند. این روند ادامه داشته و اثر آن نامیرا است. همچنان اگر شوکی به‌اندازه یک انحراف معیار در تولید ناخالص داخلی وارد شود، در دوره‌ی اول اثر آن صفر، ولی در دوره‌ی دوم به‌اندازه ۰,۰۹ واحد و در دوره‌ی سوم به‌اندازه ۰,۱۷ واحد کاهش را در تورم ایجاد می‌کند. این روند ادامه داشته و در بلندمدت اثر آن نامیرا است.

## ۶. نتایج تجزیه واریانس

این روش برای توصیف پویایی متغیرها به کار می‌رود، از این‌رو نشان‌دهنده درصد توضیح دهنده‌گی هر یک از متغیرها از متغیر وابسته در طول زمان می‌باشد. به اصطلاح دیگر بیانگر این نکته است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط هر یک از متغیرهای موجود در مدل توضیح داده می‌شوند. نتایج حاصل از تجزیه واریانس قرار جدول (۸) ذیل‌اند:

جدول (۸): تجزیه واریانس تورم

دوره	تورم	مخارج جاری	مخارج عمرانی	حجم حقیقی پول	نرخ ارز	تولید ناخالص داخلی
1	100.0000	0.000000	0.000000	0.000000	0.000000	0.000000
2	99.14800	0.068087	0.494375	0.233336	0.044508	0.011691
3	97.44032	0.206139	1.399875	0.759201	0.154366	0.040100
4	95.17748	0.391376	2.475993	1.533847	0.335670	0.085631
5	92.66499	0.598503	3.518774	2.480718	0.590112	0.146902
6	90.17912	0.801914	4.383003	3.501466	0.913788	0.220714
7	87.93157	0.979300	4.994964	4.494292	1.297361	0.302512
8	86.04667	1.115261	5.349422	5.373740	1.727693	0.387213
9	84.55989	1.203422	5.491454	6.084770	2.190341	0.470118
10	83.43650	1.246394	5.490704	6.606877	2.671934	0.547588
11	82.60049	1.253887	5.417633	6.948998	3.161671	0.617318
12	81.96267	1.239972	5.328052	7.139309	3.651751	0.678247
13	81.44081	1.220368	5.257145	7.214435	4.136980	0.730261
14	80.97019	1.210300	5.220642	7.211000	4.614013	0.773850
15	80.50640	1.223044	5.219745	7.160436	5.080571	0.809809
16	80.02335	1.269073	5.246956	7.086728	5.534853	0.839036
17	79.50935	1.355652	5.291170	7.006232	5.975189	0.862411
18	78.96262	1.486763	5.341289	6.928684	6.399905	0.880743
19	78.38756	1.663275	5.388337	6.858744	6.807333	0.894748
20	77.79183	1.883298	5.426302	6.797609	7.195908	0.905058
21	77.18429	2.142667	5.452116	6.744432	7.564271	0.912229
22	76.57382	2.435512	5.465120	6.697433	7.911363	0.916752
23	75.96860	2.754850	5.466334	6.654663	8.236485	0.919066
24	75.37579	3.093149	5.457739	6.614451	8.539305	0.919563
25	74.80143	3.442828	5.441684	6.575615	8.819847	0.918592
26	74.25046	3.796659	5.420482	6.537490	9.078441	0.916466

27	73.72677	4.148066	5.396168	6.499857	9.315676	0.913462
28	73.23329	4.491325	5.370395	6.462825	9.532334	0.909826
29	72.77209	4.821667	5.344428	6.426700	9.729343	0.905774
30	72.34441	5.135310	5.319180	6.391879	9.907727	0.901495

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول (۸) نشان می‌دهند، در دوره‌ی اول ۱۰۰ درصد تغییرات تورم از طریق خود متغیر توضیح داده می‌شود. در دوره‌ی دوم ۹۹,۱۴ درصد تغییرات از طریق خود متغیر، ۰,۰۶ درصد تغییرات توسط مخارج جاری حقیقی، ۰,۴۹ درصد تغییرات توسط مخارج عمرانی، ۰,۲۳ درصد تغییرات توسط حجم حقیقی پول، ۰,۴۴ درصد تغییرات توسط نرخ ارز و ۰,۱۱ درصد تغییرات توسط تولید ناخالص داخلی توضیح داده می‌شود. در دوره‌های بعد از میزان توضیح‌دهندگی خود متغیر کاسته می‌شود، به طوری که در دوره سی‌ام ۷۲,۳۴ درصد تغییرات از طریق خود متغیر، ۵,۱۳ درصد تغییرات توسط مخارج جاری حقیقی، ۵,۳۱ درصد تغییرات توسط مخارج عمرانی، ۶,۳۹ درصد تغییرات توسط حجم حقیقی پول، ۹,۹ درصد تغییرات توسط نرخ ارز و ۰,۹ درصد تغییرات توسط تولید ناخالص داخلی توضیح داده می‌شود.

نتایج کلی به دست آمده از تجزیه واریانس در بلندمدت نشان می‌دهند که سهم نرخ ارز، حجم حقیقی پول، مخارج عمرانی، مخارج جاری و تولید ناخالص داخلی در توضیح نوسانات تورم، به ترتیب ۹,۹ درصد، ۶,۳۹ درصد، ۵,۳۱ درصد، ۵,۱۳ درصد و ۰,۹ درصد است. در این میان نرخ ارز بیش‌ترین و تولید ناخالص داخلی کم‌ترین سهم را در توضیح تورم در اقتصاد افغانستان دارند.

## نتیجه‌گیری

از آنجاکه یکی از مشکلات عمده اقتصادی هر کشور آثار مخرب تورم است، دولت‌ها برای ایجاد ثبات در اقتصاد از سیاست‌های مختلفی استفاده می‌کنند که سیاست‌های پولی و مالی از پرکاربردترین آن‌هاست. یکی از دلایل مهم بودن سیاست مالی، توجه خانوارها به این سیاست است؛ زیرا مهمترین ابزارهای سیاست مالی، مخارج دولت و مالیات‌ها است که ترکیب آن‌ها سیاست کسر بودجه را ایجاد می‌کند (حیدری و سعید پور، ۱۳۹۴: ۶۲). با مرور ادبیات نظری پژوهش می‌توان دریافت، افزایش مخارج دولت اگر به صورت مصرفی و یا به صورت عمرانی و سرمایه‌گذاری انجام گرفته باشد، در نتیجه موجب بالا رفتن درآمد و قدرت خرید جامعه می‌شود. افزایش قدرت خرید و درآمد، افزایش تقاضا برای کالا خدمات را به در پی خواهد داشت. اگر با افزایش تقاضا، تولید و عرضه کل متناسب به آن در جامعه افزایش نیابد تولید قدرت پاسخ گوی به تقاضای افزایش یافته را نمی‌دارد، در این صورت مخارج عمومی قیمت‌ها را به دلیل کمبود عرضه نسبت به

تقاضا افزایش خواهند داد (مهر آرا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۵-۷۵). از این رو اثر سیاست مالی بر تورم با تأکید بر مخارج دولت در افغانستان آزمون گردید. برای این منظور، متغیرهای مخارج جاری و عمرانی، حجم حقیقی پول، نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی افغانستان در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۸۱ با استفاده از مدل خود رگرسیون برداری (VAR) و نرم افزار (Eviews) مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج برآورد نشان داد، در کوتاه مدت مخارج جاری حقیقی، نرخ ارز و حجم نقدینگی حقیقی سبب افزایش تورم در اقتصاد افغانستان می شوند؛ ولی مخارج عمرانی حقیقی و تولید ناخالص داخلی سبب کاهش تورم در اقتصاد افغانستان می شوند. نتایج حاصل از توابع واکنش ضربه ای برای شوک های وارده از متغیرهای مخارج جاری، مخارج عمرانی، حجم حقیقی پول، نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی افغانستان بر تورم در نشان می دهند، شوک های که از متغیرهای مخارج جاری، مخارج عمرانی در کوتاه مدت سبب کاهش تورم در اقتصاد افغانستان می شوند؛ ولی به مرور زمان اثر آن از بین نمی رود و در بلندمدت سبب افزایش تورم می شوند. همچنان شوک های که از متغیرهای حجم حقیقی پول و نرخ ارز در کوتاه مدت سبب افزایش تورم در اقتصاد افغانستان می شوند؛ ولی اثر شوک های وارده از تولید ناخالص داخلی سبب کاهش تورم در اقتصاد افغانستان می شوند. در بلندمدت اثر این شوک ها از بین نرفته و نامیرا است. نتایج به دست آمده از تجزیه واریانس در بلندمدت نیز نشان می دهند که سهم نرخ ارز، حجم حقیقی پول، مخارج عمرانی، مخارج جاری و تولید ناخالص داخلی در توضیح نوسانات تورم، به ترتیب ۹،۹ درصد، ۶،۳۹ درصد، ۵،۳۱ درصد، ۵،۱۳ درصد و ۰،۹ درصد است. در این میان نرخ ارز بیشترین و تولید ناخالص داخلی کمترین سهم را در توضیح نوسانات تورم در اقتصاد افغانستان دارند. برگرفته از نتایج پژوهش پیشنهاد می شود، مسئولین کشور بایستی سهم مخارج عمرانی را در بودجه دولت افزایش دهند و همچنان انضباط در مخارج دولت مؤثرترین سیاست در کنترل تورم است.

## منابع

- ابونوری، اسمعیل، کریمی پتانلار و مردانی، محمدرضا (۱۳۸۷)، اثر سیاست مالی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران: رهیافتی از روش خود رگرسیون برداری، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۳: ۱۱۷-۱۴۳.
- برانسون، ویلیام اچ (۱۳۸۹)، *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، شاکری، عباس، تهران، نشر نی، چاپ پانزدهم.
- گرچی ابراهیم، قدوسی آمنه، جعفری (۱۳۹۱)، *اقتصاد کلان دینامیک (بیکاری، تورم و رکود تورمی)*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ اول
- پیش‌بهار اسمعیل (۱۳۹۷)، *اقتصادسنجی*، جلد دوم، تهران، انتشارات نور علم، چاپ اول.
- تفضلی، فریدون (۱۳۸۰)، *اقتصاد کلان (نظریه و سیاست‌های اقتصادی)*، تهران، انتشارات نشرنی، چاپ دوازدهم.
- تفضلی، فریدون (۱۳۹۴)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران، انتشارات نشرنی، چاپ چهاردهم.
- تنها گرد، زینب (۱۳۸۸)، *تحلیل و بررسی تأثیر مخارج دولت بر تورم و عرضه پول در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- حیدری، حسن و سعیدپور، لسیان (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل تأثیر شوک‌های سیاست مالی و ضرایب فزاینده مالی اقتصاد ایران در چارچوب مدل کینزین‌های جدید، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال پنجم، ۶۱-۷۸، شماره ۲۰
- سوری، علی (۱۳۹۶)، *اقتصادسنجی (پیشرفته)*، تهران، فرهنگ شناسی، جلد دوم، چاپ ششم.
- شریف، مصطفی (۱۳۸۷)، *اقتصاد کلان*، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- گرچی ابراهیم، قدوسی آمنه، جعفری (۱۳۹۱)، *اقتصاد کلان دینامیک (بیکاری، تورم و رکود تورمی)*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ اول.

- گجراتی، دامور (۱۳۸۳)، *مبانی اقتصادسنجی*، مترجم: حمید ابریشمی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد دوم، چاپ سوم.
- مهر آرا محسن، بهزادی صوفیان (۱۳۹۵)، تأثیر مخارج دولت بر تورم در عبور از محیط تورم با رویکرد STR، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، سال شانزدهم، شماره ۶۰، صفحات ۱۰۵-۷۵.
- هاشمی دیزج، عبدالرحیم (۱۳۸۸)، *سیاست‌های پولی و مالی*، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- نبی زاده حسن، ولوکلائی (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر متقابل تورم و مالیات بر ارزش افزوده در اقتصاد ایران، *مجله اقتصادی*، شماره ۵ و ۶: ۸۵-۱۱۶.
- فرزین وش، اسدالله، اصغرپور، حسین و محمودزاده، محمود (۱۳۸۲)، بررسی اثر تورم بر کسری بودجه از بعد هزینه‌ای و درآمدی در ایران، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۳: ۱۱۵-۱۵۰.
- Aghevli, B. and M. Khan (1978) Government deficits and the inflationary process in developing countries, *IMF staff papers*, vol. 25, pp. 383-416
- Amit, k and Nelson, E. (2002), the Exchange Rate and Inflation in the UK, *External, Mpe Unit Discussion paper*, No, 11.
- Castro, D S. Cos, P. H.D.(2007), The Economic Effects of Fiscal Policy of Spain, *Journal of macroeconomic*, Vol.30, pp: 1005- 1028.
- Chaudhary, M. and N. Ahmad (1995) Money Supply, deficit and inflation in Pakistan, *The Pakistan Development Review*, ۳۴:۴، pp. 45-956.
- De Castro Fernandez, F & Hernandez De Cos, P. (2006), "The Economic Effects Of Exogenous Fiscal Shocks In Spain: A Svar Approach", *Ecb Working Paper/ 647*.
- Ezirim, Ch. Muoghal.m. I. Elik U.(2008), "Inflation Versus Public Expenditure Growth in the Us: An Empirical Investigation", *North American Journal of Finance and Banking Research*, ۲(۲), ۲۶-۴۰.
- Musa, Y.,& Asare, B. k. (2013), Long and Short Run Relationship Analysis of Monetary and Fiscal Policy on Economic Growth in Nigeria: A VEC Model Approach, *Research journal of Applied Sciences Engineering and technology* 5(10):3044-351.
- Olayungbo, David Oluseun (2013), Government Spending and Journal of Humanities and Management Sciences,(LJHMS)۰ I(4), 2320- 4044
- Piontkivsky۰ R۰Bakun۰ A. kryshko۰ M.۰Sytnyk.T۰ (۲۰۰۱)۰ "The Impact of the Budget Deficit on Inflation in Ukraine" *International Association for the promotion of cooperation with scientists from the new Independent states of the former soviet Union (INTAS) Research Report*۰ 95



Surjaningsih, Ndari, Utari, G. A. Diah, Trisnanto, Budi(2012), The Impact Of Fiscal policy on The Output And Inflation, *newsletter of Monetary Economics and Banking*, 367, April2012.